



دانشکده علوم انسانی و اجتماعی

گروه علوم اجتماعی

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته پژوهش در علوم اجتماعی

عنوان:

ساخت اجتماعی معلولیت: پژوهشی با رویکردی بر ساخت گرایانه

اجتماعی، مورد مطالعه، رشت

استاد راهنما:

دکتر فاروق امین مظفری

استاد مشاور:

دکتر محمد باقر علیزاده اقدم

پژوهشگر:

اکرم بخشی خیلگاوانی

شهریور 1389

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تنها یک قهرمان می‌تواند به این بی‌رنگی نگاه کند

به چیزهایی که توضیح آن به آسانی میسر نیست

به چیزهایی که اغلب موجب اشتباه می‌گردد

به چیزهایی که علت آن قابل فهم نیست

به چیزهایی که باید بپذیریم و با آن زندگی کنیم

و از این رو تنها یک قهرمان جرأت نگاه به این تفاوت را دارد

بدون آن که دریغی به خود راه دهد

ریپارد اچ هانگر فورد

تقدیم به

مادر

و پدرم

خانواده‌ام

استاد بزرگوارم

تقدیم به همه معلولین دنیا

و همه کسانی که در جهت بیشتر دانستن قدم بر می‌دارند.

تقدیر و تشکر

با تقدیر و تشکر از آقای دکتر فاروق امین مظفری که استاد راهنمای بنده در این پژوهش بوده‌اند و آقای دکتر محمد باقر علیزاده اقدم که جهت مشاوره یاری‌ام کردند. از آقای دکتر ابوعلی ودادهیر که در این راه کمکی از بنده دریغ نکردند کمال تشکر را دارم. از برادر بزرگوارم آقای ویسعلی بخشی خیلگوانی که الفبای علم‌آموزی را مدیون ایشان هستم، از گروه محترم علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، همه عزیزان معلول در سازمان نگه‌داری از معلولین شهر رشت و از مسئولین این سازمان که بدون شک از سعه صدر بسیار برخوردارند و دوستان عزیزی که دورادور قوت قلب من بودند، تشکر می‌کنم. از خانواده عزیزم که برایم زمینه انجام این پروژه را فراهم کردند، سپاس گزارم.

نام خانوادگی: بخشی خیلگاوانی	نام: اکرم
عنوان پایان نامه: ساخت اجتماعی معلولیت: پژوهشی با رویکردی بر ساخت‌گرایانه اجتماعی، مورد مطالعه، رشت	
استاد راهنما: دکتر فاروق امین مظفری	استاد مشاور: دکتر محمد باقر علیزاده اقدم
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: پژوهش در علوم اجتماعی
دانشگاه: تبریز	دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی
تاریخ فارغ‌التحصیلی: شهریور 1389	تعداد صفحه: 125
کلید واژه: معلول، معلولیت، رویکرد کیفی، نگرش برساخت‌گرایانه، نظریه بنیانی	
<p>چکیده</p> <p>معلولیت یک پدیده اجتماعی است، که در علم پزشکی با ناتوانی جسمانی تعبیر می‌شود. این واقعیت اجتماعی در هر جامعه‌ای وجود دارد و به اقتضای شرایط جامعه و افکار افراد جامعه، به صورت متفاوت تفسیر می‌شود. این تفاسیر در کنش متقابل افراد جامعه با فرد معلول، بر نگرش فرد معلول به معلولیت خود و واکنش وی به این شرایط موثر است. خانواده، دوستان و اطرافیان می‌توانند بر "تصور از خود" معلولان تاثیر بگذارند. در این پژوهش، بعد ذهنی معلولیت به مثابه یک مسئله اجتماعی از طریق تاکید بر عامل آگاهی و ساختار ذهن فرد معلول در نظر گرفته شده است. بنابراین از رویکرد نظری برساخت‌گرایانه استفاده شده است. اهداف این پژوهش، شناخت برساخت اجتماعی معلولیت، واکنش معلول نسبت به آن و برجسته کردن بعد ذهنی معلولیت می‌باشد. روش جمع‌آوری داده‌ها شامل مشاهده مشارکتی، شرکت در جلسات گروه درمانی و مصاحبه عمیق است و از نظریه بنیانی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. نتایج نشان داد که فرد معلول به تبع ناتوان دیدن خود از دید دیگر مردم، خود را موجود ناتوانی می‌بیند که همواره نیازمند کمک است. آن‌ها فکر می‌کنند تنها زمانی می‌تواند زندگی توأم با خوشبختی داشته باشند که، سلامتی خود را باز یابند.</p>	

فصل اول: سیمای کلی پژوهش: ملاحظات مقدماتی

سرآغاز

1	1-1- بحث محوری.....
3	1-2- اهمیت، منطق و ضرورت پژوهش.....
5	1-3- اهداف پژوهش.....
5	1-3-1- هدف کلی.....
5	1-3-2- اهداف جزئی.....
6	1-3-3- اهداف کاربردی.....
6	1-4- سولات پژوهش.....
6	1-5- سازماندهی پژوهش.....

فصل دوم: پیشینه تجربی پژوهش

10	2-1- سیر تاریخی معلولیت.....
12	2-2- پیشینه تجربی پژوهش.....
12	2-2-1- حوزه روان‌شناسی اجتماعی.....
14	2-2-2- حوزه جامعه‌شناسی پزشکی.....
18	2-3- چهارچوب نظری پژوهش.....
18	2-3-1- حوزه جامعه‌شناختی.....
20	2-3-2- رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی.....
24	2-3-3- پزشکی شدن.....
27	2-3-4- پزشکی شدن زندگی معلولین.....
30	2-3-5- زن و معلولیت.....
32	2-3-6- فقر و معلولیت.....
35	2-4- قلمرو پژوهش.....

فصل سوم: روش‌شناسی پژوهش

38	3-1- روش پژوهش.....
39	3-2- روش پژوهش کیفی.....

42 3-3- رویکرد هستی‌شناسی روش پژوهش
42 3-4- رویکرد معرفت‌شناسی روش پژوهش
43 3-5- رویکرد روش‌شناسی روش پژوهش
43 3-6- شیوه استخراج و تحلیل داده‌ها
43 3-6-1- نظریه بنیانی
45 3-6-2- مراحل روش‌شناسی نظریه بنیانی
49 3-6-3- لزوم استفاده از نظریه بنیانی
50 3-7- جامعه مورد مطالعه و نحوه جذب آن‌ها
51 3-8- محیط پژوهش
51 3-9- روش انتخاب مشارکت‌کننده و حجم مشارکت‌کنندگان
53 3-10- ملاحظات اخلاقی

فصل چهارم: یافته‌ها و نتایج پژوهش

54 4-1- کدگذاری باز و شناخت مفاهیم
65 4-2- کدگذاری محوری و مقوله‌بندی
85 4-3- کدگذاری انتخابی و رسیدن به گزاره‌ها
86 4-4- نتیجه‌گیری نظری
86 4-4-1- گزاره‌های ساختاری
87 4-4-2- گزاره‌های ذهنی
91 4-5- خط داستان

فصل پنجم: نتیجه‌گیری؛ ملاحظات پایانی

99 5-1- سرآغاز
101 5-2- خلاصه
107 5-3- دستاوردها و خدمات و دلالت‌های خاص این پژوهش
107 5-3-1- دلالت‌های ذاتی
109 5-3-2- دلالت‌های سازه‌ای
111 5-3-3- دلالت‌های کاربردی
113 5-4- محدودیت‌های پژوهش

115 5-5- پیشنهادات برای پژوهش‌های آینده
116 5-6- واپسین سخن
118 منابع و مآخذ

پیوست

چکیده انگلیسی

سر آغاز

معلولیت¹ به عنوان یک واقعیت اجتماعی² است، که افراد زیادی در جهان با آن مواجهه‌اند. معلولیت می‌تواند دلیل طبیعی داشته باشد (مادرزادی)، یا ناشی از حوادث اجتماعی چون جنگ و تصادف و... باشد.

معلولیت به معنی فقدان یا محدودیت در فرصت‌های مشارکت در زندگی عادی یک فرد در جامعه، در سطحی برابر با دیگران به دلیل موانع فیزیکی و اجتماعی می‌باشد (بیکن باخ³ و دیگران، 1999). افرادی که به هر دلیل دچار معلولیت شده‌اند، به نوعی دارای ویژگی‌های روانی و رفتاری متفاوت هستند.

همواره می‌توان اشاره‌های بی‌شماری از هویت‌های لکه‌دار شده ذکر کرد که، تصور از خود، عزت نفس و اعتماد بنفس افراد دارای آسیب‌دیدگی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و اغلب پیامدهای پر دامنه‌ای در تمام زمینه‌های زندگی آن‌ها بر جا می‌گذارد.

مفهوم خود برای هر فرد در کنش متقابل او با سایر افراد شکل می‌گیرد، از این جهت ارزش‌های سایر افراد در طی کنش متقابل برای یک فرد معلول درونی می‌شود. از آن‌جا که از شکل افتادن اندام یک معلول ممکن است مانع پذیرفته شدن فرد معلول توسط دیگران شود، در نهایت منجر به احترام منفی فرد معلول نسبت به خود می‌شود.

1. Disability
2. Social reality
3. Bickenbach

در ساخت اجتماعی معلولیت¹، در صدد شناخت برساخته شدن پدیده معلولیت در ذهن فرد معلول هستیم که در کنش متقابل با سایرین ساخته شده و این که عکس‌العمل فرد معلول به شرایط خودش چیست؟

رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی جنبه ذهنی مسائل را بررسی می‌کند. ساخت اجتماعی طبق تعریف و ادعای برساخت‌گرایان این‌گونه بیان می‌شود که: موضوع واقعی جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی، کشف این نکته است که مردم چگونه به تعریفی از مسئله اجتماعی می‌رسند و چگونه ادعاها و مطالبات آن‌ها در طی فرایندی به یک مسئله تبدیل می‌شود و به یک واقعیت اجتماعی تبدیل می‌شود.

فصل

اول:

سیمای کلی پژوهش: ملاحظات مقدماتی

1-1- بحث محوری

معلولیت واقعیتهای انکارناپذیر در هر جمعیت و هر جامعه‌ای است و در بسیاری موارد مردم و دولت‌مردان به افراد معلول به دیده شهروندان درجه دوم نگاه کرده و در برخوردها و برنامه‌های خود، اغلب به‌سادگی از کنارشان می‌گذرند.

تأثیری که تغییرات فیزیکی بر وضعیت روحی-روانی و روابط خانوادگی و اجتماعی معلولان بر جای می‌گذارد غیر قابل انکار است و سازگاری روانی، اجتماعی و سلامت روانی شخص معلول را تحت تأثیر قرار می‌دهد (مرادی، 1386).

از آن‌جا که بیش از 600 میلیون نفر در جهان به علل مختلف جسمی، ذهنی و اجتماعی دارای معلولیت هستند، پدیده‌ی معلولیت، یک موضوع مهم جهانی است که تعهد و تلاش مشترک جامعه بشری را برای فراهم آوردن زندگی توأم با حیثیت و کرامت بر پایه موازین حقوق بشری برای افراد معلول می‌طلبد (مصفا، 1381). از طرفی طبق آمار سازمان بهزیستی حدود ده درصد از جمعیت کشور ایران را نیز معلولان تشکیل می‌دهند.

در تعریف معلولیت، معلول کسی است که به علت ضایعه ارثی یا اکتسابی از لحاظ جسمی و روانی یا انحرافات در مسیر عادی زندگی نتواند از عهده کاری که سایر افراد انجام می‌دهند برآید (اسلامی نسب، 1372).

متأسفانه سابقه تاریخی افراد دارای معلولیت نشان می‌دهد که آن‌ها در جوامع مختلف و در دوران مختلف تاریخ، جایگاه خاصی نداشته و هیچ‌گاه هم‌ردیف با سایر افراد جامعه به آن‌ها توجه نشده است و نگاه ترحم‌آمیز به آن‌ها بر نگاه به حساب آوردن حقوق آن‌ها برتری داشته است. وجود نگرش منفی نسبت به پدیده معلولیت و فقدان آگاهی جامعه از توانایی‌های بالقوه افراد معلول از

موانع عمده حضور یک معلول در جامعه است. نگاه ترحم‌آمیز جامعه نسبت به یک معلول در برخوردهای صرفاً حمایتی و نگهداری معلولان در خارج از محیط اجتماعی، زمینه حضور فعال آن‌ها را در جامعه از بین برده است. در بسیاری از موارد دیگر که معلول در میان افراد عادی جامعه به زندگی خود ادامه می‌دهد، فراهم نبودن شرایط فیزیکی (محل رفت و آمد در خیابان‌ها، اماکن عمومی و سازمان‌ها و...) از یک سو و نگاه غیر عادی و ترحم‌آمیز افراد درون خانواده و سایر افراد در جامعه از سوی دیگر، بخصوص در کشورهای توسعه نیافته و جهان سوم بیش از پیش سد راه پیشرفت یک معلول می‌باشد و بر نگرش منفی یک معلول نسبت به معلولیت خود موثر است. در واقع با دید گافمنی مسئله، مسئله ساختن معلولیت توسط افراد غیر معلول می‌باشد، که به تبع آن اعتماد بنفسی که لازمه هر نوع زندگی موفق است از او سلب خواهد شد. در چنین شرایطی برای یک فرد معلول همه فرصت‌ها و حقوقی که یک فرد عادی دارد، از جمله ازدواج، تشکیل خانواده، کسب شغلی آبرومندانه و حضور در صحنه‌های اجتماعی به مخاطره می‌افتد.

در سال‌های اخیر در تعریف و تبیین مسئله اجتماعی دیدگاه‌های جدیدی مطرح شده‌اند که در بررسی مسائل اجتماعی به جای تاکید بر عوامل ساختاری و عینی، بر عوامل ذهنی و عنصر آگاهی نسبی تاکید ورزیده‌اند. دو دسته از این دیدگاه‌ها عبارتند از: دیدگاه برچسب‌زنی بخصوص در مباحث نظری آسیب‌شناسی، دیدگاه دوم دیدگاه برساخت‌گرایی اجتماعی است. از دیدگاه برساخت‌گرایی مسئله اجتماعی چیزی نیست که مستقل از ذهن وجود داشته باشد و فکر کنیم دیگران نیز تحت هر شرایطی که باشند مسئله را به همان طریق خواهند دید و درک خواهند کرد که ما درک کرده‌ایم. از دیدگاه دانیلین لاسکی، مسئله اجتماعی چیزی است که ساخته می‌شود،

ادعایی است که باید تلاش کرد تا دیگران باور کنند تا وقتی آن را باور نکنند هیچ اتفاقی نمی‌افتد (لاسکی، 1383).

۲-۱- اهمیت، منطق و ضرورت پژوهش

برچسب معلولیت آنقدر بر عزت نفس فرد معلول موثر است که علی‌رغم دارا بودن لیاقت کافی، یک فرد معلول نمی‌تواند به‌عنوان یک فرد عادی مورد قبول قرار گیرد و یکی از جنبه‌های زندگی آنها، انکار لیاقت آنها برای خودشان و دیگران است (روزن، 1370).

افراد معلول در همه جوامع حضور دارند و معمولاً هدف کلیشه‌ها، نگرش‌ها و برخوردهای تبعیض‌آمیز قرار گرفته‌اند، که در نتیجه آن، بسیاری از افراد معلول علی‌رغم داشتن توانمندی و استعدادهای فراوان تنها به دلیل ارزش‌ها و هنجارهای حاکم در جامعه در قبال آنها، که آنها را افرادی بی ارزش و نالایق و نیازمند کمک دیگران معرفی می‌کند، نمی‌توانند همچون افراد عادی در صحنه زندگی حضوری فعال داشته باشند. پس معلولیت افراد دارای معلول چیزی نیست که بتوان به‌سادگی از کنار آن گذشت. جدای از فرد معلول اعضای خانواده معلولان و سایر افراد جامعه ممکن است لحظات زیادی از زندگی خود را، در ارتباط با معلول و پدیده معلولیت سپری کنند، که نوع برخورد افراد جامعه بر نگرش آنها در مورد خود پدیده معلولیت، و به تبع آن در پذیرش وضع موجودشان موثر می‌افتد. برخورد و رفتار افراد خانواده و همچنین افراد درون سازمان‌ها بر طرز تفکر و نگرش معلولان در مورد معلولیت‌شان تاثیرگذار است. نظرسنجی از برخی معلولان در درون سازمان نگه‌داری از معلولان، حاکی از رضایت این افراد از زندگی در این سازمان به دلیل امکانات موجود است. آنها به دلیل امکانات موجود در درون سازمان و عدم آگاهی افراد خانواده

در مورد شرایط فیزیکی معلول و احساس راحتی بیشتر هنگام کمک خواستن از مددکاران و بخاطر تماس بیشتر با سایر معلولان، زندگی در سازمان را ترجیح می‌دهند که البته این در مورد بسیاری دیگر از معلولان درون سازمان صادق نیست.

این در حالیست که سازمان جهانی یونیسف تا جایی به ارتباط معلولان در اجتماع با سایر افراد اهمیت می‌دهد که برآموزش تلفیقی کودکان در مدرسه صرف نظر از این‌که از لحاظ مهارت‌ها، توانایی‌ها و ناتوانایی‌ها در چه مرحله‌ای هستند تاکید فراوان دارد (لندگرن، 1379).

لاسکی سازمان‌هایی مثل زندان و سازمان نگه‌داری معلولان را سازمان‌های صنعت اشخاص مشکل-دار می‌نامد، این‌ها سازمان‌هایی هستند که برای قربانیان و مضران وجود دارد و کار برخی از آن‌ها کنترل اجتماعی و تنبیه است. هر یک از این سازمان‌ها محصول اجتماعی ادعاهای موفق هستند و این سازمان‌ها افراد با ویژگی خاص پرورش می‌دهند (لاسکی، 1383).

بجاست که فرایند شکل‌گیری معلولیت در ذهن معلول و تجارب زیسته آن‌ها و تاثیر و تاثر آن‌ها در کنش متقابل با افراد معلول و سالم جامعه بررسی شود و نگرش افراد معلول در درون سازمان نگه-داری از معلولان و جهت‌گیری آن‌ها نسبت به جامعه و سازمان نگه‌داری از معلولان شناخته شود تا به آن‌ها در جهت داشتن تلقی عادی از شرایط و معلولیت خود همچنین تسلط بر زندگی شخصی کمک شود.

این تحقیق می‌تواند با شناخت هر چه بهتر شرایط زندگی و ذهنیت افراد معلول خدمتی به معلولین محسوب گردد که هم افراد معلول خود را به‌عنوان یک انسان عادی تلقی کنند و هم افکار و رفتار جامعه نسبت به معلولیت حالت عادی داشته باشد. در این تحقیق می‌توان نیازها و خواسته‌های یک

معلول را شناخت، تا با اندیشیدن تدابیری بهتر از طریق خانواده معلول و کارکنان سازمان نگه‌داری معلولین زندگی به مراتب بهتر از لحاظ روحی و روانی برای یک معلول فراهم آورد.

3-1- اهداف پژوهش

در تحقیق کیفی یک دسته از مطالعات، به مطالعه دیدگاه‌های ذهنی می‌پردازد، دسته دیگر شکل‌گیری و جریان تعاملات را مطالعه می‌کند و دسته‌ای سوم به دنبال آنند که ساختارهای میدان اجتماعی و معنای پنهان اعمال کنشگران را بازسازی کنند (فلیک، 1387)، در این پژوهش هر سه هدف را دنبال می‌کنیم.

3-1-1- هدف کلی:

شناخت برساخت اجتماعی معلولیت در ذهن معلول و واکنش معلول نسبت به پدیده معلولیت

3-1-2- اهداف جزئی:

- برجسته ساختن بعد ذهنی معلولیت.
 - شناخت ذهنیت معلولان در مورد معلولیت.
 - شناخت تصور افراد معلول درباره نگاه سایرین به آن‌ها.
 - شناخت سطح آگاهی معلولان نسبت به حقوق معلولان.
 - کمک به بهتر زیستن معلولان.
- برخی از مکاتب نظریات اجتماعی (نظریه انتقادی و نظریه فمینیستی) استدلال کرده‌اند که تغییر، هدف بنیادی علوم اجتماعی است. همه اهداف دیگر باید در خدمت هدف رهایی بخشی گروه‌های تحت ستم باشد (لاسکی، 1383).

3-3-1- اهداف کاربردی

کمک به حضور هرچه پررنگ معلولان در کنار افراد عادی در درون جامعه همراه با زندگی توأم با دغدغه کمتر.

4-1- سوالات پژوهش

پرسش اصلی:

معلولیت در ذهن یک معلول چگونه ساخته می‌شود؟ و معلول با این واقعیت چگونه کنار می‌آید؟ (آنها چه راهبردهایی را در مقابل معلولیت خود به کار می‌برند).

پرسش‌های فرعی:

- نظر فرد معلول در مورد برخورد افراد عادی جامعه در مورد پدیده‌ی معلولیت چیست؟
- فرد معلول چه عواملی را سد راه پیشرفت یک معلول در جامعه می‌داند؟
- عوامل جذب و دفع‌کننده جهت زندگی در درون یا بیرون از سازمان نگه‌داری معلولین، برای یک معلول چیست؟
- آیا فرد معلول خود را در سلسله مراتب اجتماعی پایین‌تر از افراد سالم می‌بیند؟

5-1- سازماندهی پژوهش

پژوهش حاضر از پنج فصل تشکیل شده است. فصل اول شامل ملاحظات مقدماتی است که در آن بحث محوری در مورد بیان مسئله و در ادامه اهمیت و ضرورت پژوهش مطرح شده است. اهداف

تحقیق شامل سه نوع اهداف کلی، فرعی و کاربردی نیز در این بخش گنجانده شده تا با بیان سولات پژوهش در ادامه مسیر پژوهش جهت پاسخ‌گویی به این سولات و دستیابی به اهداف مطرح شده مشخص شود. سازماندهی پژوهش در آخر این فصل قرار دارد.

فصل دوم پژوهش مربوط به پیشینه پژوهش می‌باشد. در ابتدا با گذری بر تاریخ معلولیت، در ادامه در قسمت پیشینه تجربی در حوزه روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی پزشکی بحث دنبال شده است. چهارچوب نظری پژوهش در این فصل مطرح شده که خود در برگزیده رویکرد برساخت-گرایی اجتماعی، پزشکی شدن، پزشکی شدن زندگی معلولین، زن و معلولیت و فقر و معلولیت است. قلمرو پژوهش پایان بخش فصل دوم می‌باشد.

فصل سوم مربوط به روش‌شناسی پژوهش است که به توضیح روش تحقیق کیفی و برساخت‌گرایی اجتماعی می‌پردازد و جنبه‌های هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی این رویکرد را مورد بررسی قرار می‌دهد. در ادامه به تفصیل در مورد روش نظریه بنیانی به‌عنوان روش استخراج و تجزیه و تحلیل داده‌ها بحث شده و مراحل این روش مطرح شده است. لزوم استفاده از نظریه بنیانی بحث دیگری است که در فصل سه بیان شده است. در همین فصل از جامعه مورد مطالعه، نحوه جذب افراد، محیط پژوهش و روش انتخاب و حجم نمونه بحث به میان آورده شده است. ملاحظات اخلاقی پایان بخش فصل سه پژوهش می‌باشد.

در فصل چهارم سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی داده‌های به‌دست آمده، جهت رسیدن به گزاره‌های کلی گنجانده شده است. این فصل با خط داستان به پایان می‌رسد.

فصل پنجم که حسن ختام این پژوهش است، در برگزیده نتیجه‌گیری و ملاحظات پایانی است. این فصل در ابتدا با سر‌آغازی برای پایان دادن شروع شده و در ادامه خلاصه‌ای از پژوهش مطرح

شده است. دلالت‌های ذاتی، سازه‌ای و کاربردی این پژوهش نیز در فصل پنجم گنجانده شده است. محدودیت‌هایی که انجام پژوهش با آن مواجهه بوده، آینده‌گری‌ها و پیشنهادات برای پژوهش‌های آینده نیز در ادامه آورده شده و واپسین سخن، حکایت پایان تلاشی برای خدمت به معلولین است. قسمت آخر این پژوهش در برگزیده منابع و مأخذ، پیوست که شامل مصاحبه نامه و چکیده انگلیسی می‌باشد.